

سجاده های نور

در ستایش چهارده معصوم
«علیهم السلام»

سروده ی: سیدهاشم وفایی

سرشناسه: وفایی، هاشم ۱۳۴۴
 عنوان و پدیدآوران: سجاده‌های نور در ستایش چهارده معصوم علیهم السلام / سروده‌ی سید هاشم وفایی
 مشخصات نشر: مشهد: سلسله الذهب، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری: ۵۹۲ ص.
 شابک: ۰-۲۹-۷۳۹۰-۶۰۰-۹۷۸
 موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
 موضوع: شعر مذهبی - قرن ۱۴
 ده کتبه: PIR ۸۲۹۸
 نشانی: ۳ س ۲۶ ف /
 رده دیویی: ۸۶۱/۶۲



نام کتاب: سجاده‌های نور در ستایش چهارده معصوم علیهم السلام

مؤلف: سید هاشم وفایی

ناشر: سلسله الذهب و نورالکتاب

نوبت چاپ: اول، بهار ۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

شابک: ۰-۲۹-۷۳۹۰-۶۰۰-۹۷۸

چاپ و صحافی: میثاق و حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف)

مرکز پخش:

انواع کتاب‌های مداحی، ادعیه، اثبات حقانیت شیعه، دعا درمانی، حوزوی، کودکان مذهبی و...

نشر نورالکتاب: مشهد مقدس، چهارراه شهید، بهجت ۲

۳۲۲۲ ۳۱۳۰ - ۳۲۲ ۴۲۲۶۲ - ۰۹۱۵ ۱۱ ۹۹ ۴۸۶

سایت‌ها: chaponashr.ir و noorolketab.ir

ایمیل: noorolketab@gmail.com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست اشعار

مقدمه ی مؤلف ۲۹

سجاده ی نیایش :

- ۳۳..... مناجات با قاضی الحاجات
- ۳۴..... وقتی شکوفه های دعا باز می شود.....
- ۳۵..... کمتر اگر زخارم، یا واسع المغفره.....
- ۳۷..... عمرت است که در چاه گناه افتادم.....
- ۳۸..... منم غریبی تو ره هستی آشنای من.....
- ۳۹..... خدایا بندگی من را بپذیرم.....
- ۴۲..... ماهی به روشنی رحمت دیده است.....
- ۴۴..... ای امید من و فریاد رسم.....
- ۴۶..... دل خود را ز فروغ تو ضیئ بخشیا م.....
- ۴۸..... دردا که ماه رحمت حق باز هم گشت.....
- ۴۹..... یک ماه اگر خدا خدا می کردیم.....
- ۴۹..... صدشکر که غرق نور ایمان شده ایم.....
- ۵۰..... سی روز به مهمانیت خو کردیم.....
- ۵۰..... ما را تو بیا و دیده ی حق بین بخش.....

سجاده ی رسالت:

دروادات، بعثت، ستایش، شهادت

- ۵۱..... خاتم الانبیا «صلی الله علیه و آله».....
- ۵۲..... وقتی که آمدی به تو هستی سلام کرد.....
- ۵۴..... اجازه خواستم از تو هماره بنویسم.....
- ۵۶..... آن روز که مکه فلکی روشن داشت.....
- ۵۶..... روزی که شکوه باغ گل دیدن داشت.....

- گلزار جهان زبس که زیبا شده است ۵۶
- از مرحمت خدای سرمد زبشت ۵۶
- وقتی شکوفا شد گل توحید آن روز ۵۷
- دوباره در نفس خاک جان تازه رسید ۵۹
- چون تاج رسالت عطا می کردند ۶۲
- بر تاج رسول خلعت او صلوات ۶۲
- آن روز دل تو با خدا بیعت کرد ۶۳
- از دوست تو را اگر که چشم یاری است ۶۳
- چون تاج رسالت عطا می کردند ۶۳
- آن روز دل تو با خدا بیعت کرد ۶۳
- چه کسی که این ذره زخورشید وشی ۶۴
- دخلم اشک ده چشمان تربت مانده هنوز ۶۶
- فاطمه امیر حشمان ترم کم گریه کن ۶۸
- غم زلزله انداخت و من را لرزاند ۷۰
- جمعی زفراق مصطفی الید ۷۰
- زدنیا تا پیمبر دیده بسته ۷۰
- درون سینه غم بسیار دارد ۷۰

سجاده ی عفاف:

دروالادت ، ازدواج ، ستایش ، عرض توسل ، هجرم به بیت وحی و

- شهادت صدیقه ی کبری زهرای مرضیه «سلام» عاها ۷۱
- وقتی قدم به خاک زدی خاک جان گرفت ۷۲
- آمد خبر که روح عبادات می رسد ۷۴
- امشب ای دل شادبودن نعمت است ۷۸
- از باغ بهشت بر زمین حور رسید ۸۲
- خورشیدی وجلوه ی سحر می گردی ۸۲
- الگوی همیشه باورت آمده است ۸۲
- لیخنند بزن ای که دلت خرسند است ۸۲

- جلوه ی خورشید و روی ماه و اختر دیدنی است ۸۳
- ابرهای رحمت حق دُرّ و گوهر ریختند ۷۴
- امشب که سرور دل دوصد چندان است ۸۵
- تا پرچم توحید برافراشت علی ۸۵
- گل از انفحات احمدی می ریزد ۸۵
- سلام بر تو که ذکر خدا خدا داری ۸۶
- ای که انسیه ای و مهر مجسم داری ۸۸
- کس که نور در آئینه ی وجودش بود ۹۰
- یاس یاسین و سرسلسله ی ساداتی ۹۱
- آن بانی که کربلش یا جلیل بود ۹۲
- ما قطره ایم و در سما دریا نداریم ۹۴
- کیست تا در روز و ویلا در غریادم رسد ۹۶
- اثری کاش که براه دایما بنشیند ۹۷
- گرگوهری به نام تولا نداشته ۹۸
- هر که را امروز ایمان و امیدش ۹۹
- آتش افتاده به جان و دل دنیا، چاشمه ۱۰۰
- گرچه پرپر از فشار و ضربت آن در شدی ۱۰۲
- وقتی رسیدم پشت در افتاده بودی ۱۰۳
- برخیزو باز پیش نگاهم قدم بزن ۱۰۴
- به صوت حجازی بخوان ای بلال ۱۰۵
- شب آمد و فضای جهان در سکوت شد ۱۰۷
- بیمار من گرچه به رنگ ماهتابی ۱۰۹
- مادر بگو که با غم بازو چه می کنی؟ ۱۱۰
- کوکب روشن من، ای مه منظلومه ی من ۱۱۱
- لحظه لحظه ز چه مادر، نفست می گیرد ۱۱۳
- آن روز فلک از غم بسیار نوشت ۱۱۴
- می گفت علی که یاورم راکشتند ۱۱۴
- بادرد سرشته شدم مگر آب و گلت ۱۱۴

- چون من گل غم جوانه دارد؟ هرگز ۱۱۴
- چون شعله وراز آتش کینه درشد ۱۱۵
- در پشت درسوخته چون افتادم ۱۱۵
- ازچشم تو آیه های غم می ریزد ۱۱۵
- ازحرف دلت تا سخنی چند زدی ۱۱۵
- نیمه شب بود ولی خاموش داشت ۱۱۶
- برخیز تا زخون جگر دیده ترکنیم ۱۱۹
- رفتی وداغ تو روی جگرم افتاده ۱۲۰
- نور دلم رفتی وچشمم تارمانده ۱۲۱
- غرا جان که مرا بی قرار خود کردی ۱۲۲
- تورفتی وداغ را ساله ای از آه می گیرم ۱۲۳
- من رفته ام اما سفر می آیم ۱۲۴
- ای نابترین زمزمه ای می بینی ۱۲۴
- در سوگ تو شمع گل وپرست گریست ۱۲۴
- دیشب دلم از جوانه ای می سپید ۱۲۵
- توکوثری و طاهره هستی و با من ۱۲۵
- ای سیب پُراز عطربهشتی زهرا ۱۲۶
- باسینه ای خسته می نویسم زهرا ۱۲۶
- آن شب که شب غسل تن زهرا بود ۱۲۶

سجاده ی عدالت:

- دروالادت ، غدیریه ، ستایش ، عرض توسل ، شهادت رضی المرحومین
 علی بن ابی طالب «علیه السلام» ۱۲۷
- باز امشب گلبن امید ما گل می دهد ۱۲۸
- پیک شادی بشر تا که ز در می آید ۱۳۰
- قرار شد که بیایی چراغ دین بشوی ۱۳۴
- خورشید زکعبه سر زده ، یاماه است؟ ۱۳۶
- ازکعبه بشیر نور ایزد آمد ۱۳۶

- ۱۳۶..... یک باغ گل و گلاب دیدن دارد
 ۱۳۶..... درماه رجب از صدقی پاک رسید
 ۱۳۷..... قدسی نفسان زنور عشق و امید
 ۱۳۷..... گفتند که انوار عیون آمده است
 ۱۳۷..... گفتند که درکعبه چه اعجاز شده ؟
 ۱۳۷..... خورشیدی و مرکز فروغ ماهی
 ۱۳۸..... گشت نازل برپیمبر پیک رحمت درغدير
 ۱۴۰..... بانوردل از مرکز خورشید گرفتیم
 ۱۴۳..... تاه رومه و ستاره رخشنده بود
 ۱۴۳..... درمزرع دا بذر وفا کاشته شد
 ۱۴۳..... تاروی به چشمه ی عنایت آورد
 ۱۴۴..... پرنورتر بر روانست غدیر
 ۱۴۴..... سرچشمه به باری کویر آمده بود
 ۱۴۴..... خورشید علی و راه ام چون راه است
 ۱۴۴..... خورشید سراسیمه به صحرا ی رفت
 ۱۴۵..... علی به دشت، بهاری پراز ریاحین داد
 ۱۴۶..... غیر از رضای دوست تو بر سر نداشی
 ۱۴۸..... علی که جلوه ی اورا صد آفتاب نداشت
 ۱۵۰..... باز در خلوت خود گرم امین اللهم
 ۱۵۳..... دلدادگان که روی به حیدر بیاورند
 ۱۵۵..... هست خورشید فلک هر روز مهمان نجف
 ۱۵۷..... بانورتوما دور ز زشتی شده ایم
 ۱۵۷..... مانند شبی که ماهتابی نشود
 ۱۵۷..... آوای دل سوخته آهنگین است
 ۱۵۷..... درچشمه ی عشق و آرزو پاک شدیم
 ۱۵۸..... بامر حمت خود آشنا کن مارا
 ۱۵۸..... ماهی که ز خورشید ضیایی دارد
 ۱۵۸..... محبوب همه اهل تولا علی است
 ۱۵۸..... بگذار که نقش رو به راهی بکشم

- گرا مرشود شیعه به تو می تازد ۱۵۹
- با عشق هر آن دلی که خویشاوند است ۱۵۹
- امشب دلم ازهر شبی آماده ترشد ۱۶۰
- خونی که کرده ارغوانی بستم را ۱۶۲
- اگرچه زخم سرش را تمام می دیدند ۱۶۳
- ای امام ومقتدا ، مولا امیرالمؤمنین ۱۶۴
- کم کم چراغ عمرعلی می شود خاموش ۱۶۶
- آماده نمودند حنوط وکفنش را ۱۶۸
- شب بود و پشت ابر ظلمت ماه گم شد ۱۶۹
- به آن اشک غمی که خامه ی توست ۱۷۰
- اگرچا در حوض ریت شرمسارم ۱۷۰
- چنان اشک غبار را ببوسم ۱۷۰
- الهی چرخ دور در تون نشیند ۱۷۱
- رها گشتی اگر از دبد بکام ۱۷۱
- ز حق خود اگر محروم بودی ۱۷۱
- مکانت عرش واین جا مانده ای تو ۱۷۲
- زهرم آه دل ها شعله ور شد ۱۷۲

سجاده ی صبر و برباری:

- درو لادت، ستایش، شهادت امام حسن مجتبی «عابه السلام» ۱۷۳
- سحر به آه دل خستگان اتر دادند ۱۷۴
- آن روز مدینه جلوه ای ناب گرفت ۱۷۷
- یاس علوی چو در چمن پیدا شد ۱۸۰
- همراه نسیم کز چنان می آید ۱۸۰
- گلزار ولا بهار زیبایی بود ۱۸۰
- این ماه عزیز ماه جود و کرم است ۱۸۱
- هرگاه گلی را به چمن می دیدند ۱۸۱
- جزدوست زحی ذوالمنن هیچ مخواه ۱۸۱

- درماه خدا روح دعا را دیدند ۱۸۱
- بر در دولت سرایت بس که سائل ریخته ۱۸۲
- بردر خانه ی مولا به تمتای کریم ۱۸۳
- هرشب که درنماز به لب یا حبیب داشت ۱۸۴
- اگر بناست مزارت چنین خراب بماند ۱۸۵
- چون کوه نشان بردباری بودی ۱۸۶
- پیوسته دلم رنج و محن می خواهد ۱۸۶
- من از دل تنگ خود سخن می گویم ۱۸۶
- خود سید زنور چهره اش وام گرفت ۱۸۶
- صبرتبریه نخل بیداد زدی ۱۸۷
- چون شمع میان منجمن می سوزم ۱۸۷
- با آن دل پاره ی پاره ی خود ناگاه ۱۸۷
- آئینه ای از آن عبای خود حسن ۱۸۷
- آنان که شعله بردار غ پرورست زدند ۱۸۸
- قدسیان با دیدن چشم ترش گریان شدند ۱۸۹
- شراره برجگرو دیده ی ترم افتاد ۱۹۰
- خیمه زده بود غصه در دور و برش ۱۹۲
- وقتی که به پیکر حسن تیر زدند ۱۹۲
- درباغ بهشت جان کوثر می سوخت ۱۹۲
- ای آن که زحق خویش محروم شدی ۱۹۲

سجاده ی آزادی :

- درولافت ، ستایش ، شهادت ، امام حسین «علیه السلام» ۱۹۳
- ای که در مقدم تو باد صبا گل ریزد ۱۹۴
- ای گل مدینه از نفست جان گرفته است ۱۹۶
- نوری از شمعشعه ی شمس ضحی آمده است ۱۹۸
- روزی که تو آمدی امید آوردی ۲۰۰
- قدسی نفسان به حرمت بوی حسین ۲۰۰
- ای آن که تو را شمس هدایت گفتند ۲۰۰

- ۲۰..... بر عرش دوباره زین آمده است
- ۲۰۱..... ای که بود جمال نورانیت
- ۲۰۸..... سروی که در بهار و خزان ایستاده است
- ۲۰۹..... وقتی که شد جواب حضور سؤال ها
- ۲۱۰..... خوانندی حدیث خود را، همات منّا الذلّة
- ۲۱۲..... همیشه عشق با نام تو معنا می شود مولا
- ۲۱۳..... از هُرم عشق شعله بگیرد و تب کنيد
- ۲۱۴..... دل را که ز داغ تو کبابش نکنند
- ۲۱۵..... نام جانبخش تو چون بر دهنم می آید
- ۲۱۶..... سب که اشک جلوه نماید به محفلم
- ۲۱۷..... بس که در با رمزمه ی یاحسین
- ۲۱۸..... تا که آینه ی عورش بد جلا بردارد
- ۲۲۰..... خاک تو که در رزق من نیست
- ۲۲۱..... ای که نام توست سر ه سب فرزانه ها
- ۲۲۲..... مارا غبار راه حبیب حساب کن
- ۲۲۴..... تشنه ی عشقت به محشر نشو بر خزد ز خاک
- ۲۲۵..... عشق آینه ی خوش آب و رنگی دارد
- ۲۲۵..... مهر تو به دل ودیعه ای دیرین است
- ۲۲۵..... عمری ست که از غم تو دلگیر شدم
- ۲۲۵..... ای مرهم سینه ی کی بودم یک عمر
- ۲۲۶..... ای کاش زمعصیت مرا پاک کنند
- ۲۲۶..... ای وای اگر لطف و عطایم نکنی
- ۲۲۶..... بیمار شدم دوا برایم بفرست
- ۲۲۷..... چه غم افزا شی بود آن شب غم
- ۲۳۰..... سلام بر تو که رویت نکوتراز گل هاست
- ۲۳۳..... وقتی که هستی از غم او دم گرفته است
- ۲۳۶..... پیش از آنی که عزادار مُحَرَّم باشی
- ۲۳۷..... رخصت بده که خیمه ی ماتم به پا کنیم

- ۲۳۸..... ای آن که بلور اشک داغت گهراست
- ۲۳۸..... ای خسته دلان زسوز جان گریه کنید!
- ۲۳۸..... آماده شوید فصل ماتم آمد
- ۲۳۸..... با مهر تو ما دل خدا جو داریم

طلایه دار نهضت حسینی:

در، ستایش و شهادت حضرت مسلم بن عقیل «علیه السلام»

- ۲۳۹..... دور به زمین کریلا
- ۲۴۰..... این جا درخت ها همه تیرو کمان شدند
- ۲۴۱..... آخرین اعظه های عمر من است
- ۲۴۳..... کریلا کاروان گلشن بر
- ۲۴۵..... این جاکجاست ای گل زهرا به ما بگو

اصحاب الحسین:

- ۲۴۷..... در ستایش، شهادت یاران سیدالشهدا «علیه السلام»
- ۲۴۸..... از آن زمان که شما راهی بلا شده اید
- ۲۵۰..... در قنوت عشق غرق نور ربانی شدند
- ۲۵۱..... من آمدم که مرا بال پر زدن بدهی «حضرت حرتی یزید را»
- ۲۵۲..... پیک نور آمده از راه که حاشا نکنی «زهیرین قین»
- ۲۵۴..... دادند نشان جلوه ای از تقوا را

دروالادت، ستایش، شهادت سبط اکبر سید الشهدا

- ۲۵۵..... حضرت علی اکبر «علیه السلام»
- ۲۵۶..... امشب ای دل آسمان رنگین بود
- ۲۵۸..... ایقی دیگر زرحمان ورحیم آورده اند
- ۲۶۰..... از جان و جهان عزیزتر آمده است
- ۲۶۰..... برگونه ی گلقام علی خال علی است
- ۲۶۰..... در عرش فرشتگان چه غوغا کردند
- ۳۶۱..... شادی همه در این شب مسعود کنید

- در عشق و ادب بس که زبانزد بودی ۲۶۱
 نام زیبا و نکویت گر علی اکبر است ۲۶۲
 قطره قطره دلم از چشم ترم افتاده؟ ۲۶۴
 گرچه برگریه ی من هلهله برپا شده است ۲۶۵

در ستایش، شهادت یادگار امام مجتبی «علیه السلام»

- حضرت قاسم بن الحسن «علیه السلام» ۲۶۷
 سیزده ساله جوانی که گل باغ ولاست ۲۶۸
 لاله ی سرخ چمن از چه تو پرپر شده ای ۲۷۰
 بزب ستم ستوران تنت رها مانده ۲۷۲
 از بس که پای پر زدن جفا شدی ۲۷۳
 در عشق تو رامرد عمل می بینم ۲۷۴

در ستایش، شهادت یادگار امام مجتبی «علیه السلام»

- حضرت عبدالله بن الحسن «علیه السلام» ۲۷۵
 در دلم از غربت درد جهان زبان بسته ۲۷۶
 گردست دهد عشق، به پای تو بریزم ۲۷۷
 عمو ببین به چه حالی رسیده ام این جا ۲۷۸

در ستایش، شهادت گل های گلشن

- حضرت زینب «سلام الله علیها» ۲۷۹
 ای یادگار مادر وجدو برادرم ۲۸۰
 یک نظر برخواهر خود از وفاکن یا حسین ۲۸۲

در ولادت، ستایش، شهادت علمدار رشید کربلا

- حضرت ابوالفضل العباس «علیه السلام» ۲۸۳
 بار دیگر ساحت باغ تولا دیدنی است ۲۸۴
 امشب که چلچراغ سماوات دیدنی است ۲۸۶

- ۲۸۹..... هنگام شکفتن گلی حق طلب است
- ۲۸۹..... ای تشنه لبان کوثر حُسن صفات
- ۲۸۹..... گلبنانگ سرور با ابوالفضل رسید
- ۲۸۹..... دل را گل گلزار ابوالفضل کنید
- ۲۹۰..... ازگلشن سبز علوی یاس رسید
- ۲۹۰..... روییده دوباره گل احساس حسین
- ۲۹۱..... آمد صدای ناله ، صدایی که آشناست
- ۲۹۲..... یاس من گلبرگ هایت درکجا افتاده است
- ۲۹۳..... من غریب و غم بی برادرم کردند
- ۲۹۴..... میدان عشق ساحت گلزارماشده
- ۲۹۵..... بیا خورشید هاشمی تو نظرخورده
- ۲۹۶..... زیبایی هاشم از یاس است
- ۲۹۶..... وقتی به من مصر احساس رسید
- ۲۹۶..... آن روز که در دست بلا غم غم بود
- ۲۹۶..... روزی که علم به دوش بوسه یاس

دروالادت ، ستایش، شهادت رضیع الحسن

- ۲۹۷..... حضرت علی اصغر «علیه السلام»
- ۲۹۸..... باغبان را دیدنت ای غنچه خندان کرد
- ۳۰۰..... امشب که مدینه رنگ دیگر دارد
- ۳۰۰..... امشب به مدینه مرغ دل پر زده است
- ۳۰۰..... ازعطر حضور تو ملایک مستند
- ۳۰۰..... آن روز که بوسه از رخت چید حسین
- ۳۰۱..... کودکی که جلوه اش چون مهر عالم گیر بود
- ۳۰۲..... بیا گلم که گلستان گلاب می خواهد
- ۳۰۳..... قدری بخواب غنچه ی عطشان باغ من
- ۳۰۵..... ای تیر میا کودک ششماهه به خواب است
- ۳۰۶..... که گمان داشت که این تیرچنین سربرسد
- ۳۰۷..... ای دوست بیا پر به هوایش بزنیم

- از گریه اگر که چشم ما تر شده است ۳۰۷
- یک باردگر قلب مرا افسردی ۳۰۷
- گویی سخنم را نشنیدند؟ چرا ۳۰۸
- اگر اشکم به رخ غلتیده یارب ۳۰۸
- زداغت غرق غم غیب وشهود است ۳۰۸
- روز عاشورا، شهادت سالار شهیدان حسین بن علی «علیه السلام» ۳۰۹
- دین خدا را مهر تو اساس است ۳۱۰
- سخن است بهرمن که برادر نبینمت ۳۱۲
- ی دلم از غم خیر حال خراب ذوالجناح ۳۱۴
- زخم دلم پس از غمت دگر بهم نعی رسد ۳۱۶
- دل را غمت به دهنه ی دلگیر می کشد ۳۱۷
- تنها شدی و هیچ کس دور و برت نیست ۳۱۸
- گرسیه فام و غم آمد همه آلاک است ۳۱۹
- خورشید دین تپید به گردال بلند ۳۲۰
- وقتی نشست دربر بابای بی سرش ۳۲۲
- می آمدو لرزه براندام تنش بود ۳۲۳
- پس از توای گل پرپر، چگونه زنده بمام ۳۲۴
- بردامن ظلم کوفیان چنگ زدند ۳۲۶
- گرغرقه به خون گشت به صحرا بدنش ۳۲۶
- برچهره ی اهل حق زغم هاله زدند ۳۲۶
- وقتی که حسین باغ را آذین کرد ۳۲۷
- زین مرکب غم گرد الم می ریزد ۳۲۷
- روزی که تمام دشت وصحرا می سوخت ۳۲۷
- میقات من این منای عطر آگین است ۳۲۸
- نورتو ستاره در دل شب می ریخت ۳۲۸
- دروقایع کوفه وشام ۳۲۹
- امشب که ماد غرق تماشااست درتنور ۳۳۰

- ۳۳۲.....بر خاک کربلاست اگر بیکر حسین
 ۳۳۳.....بیا و درد دلم را دوباره درمان کن
 ۳۳۴.....تو آیه ی والفجر ی و خون خدایی
 ۳۳۵.....به روی نیزه طلوعی دوباره می بینم
 ۳۳۸.....غم ندارم خار درپایم شکست
 ۳۳۹.....سرت وقتی که درتشت طلا بود
 ۳۳۹.....من هیچ نخواهم از شما پس بدهید
 ۳۳۹.....طلعه به دل صبور ایوب زدی
 ۳۴۰.....ز من می سوخت از هُرم تب تو
 ۳۴۰.....سرتو تا به روی نیزه رفته

در ولادت، استایس شهادت عزیزه الحسین

- ۳۴۱.....حضرت رفیع، «سَمِ اللّٰهِ حَمِیًّا»
 ۳۴۲.....ماه کم کم هلال آب را
 ۳۴۵.....ای غنچه ی نوشکفتای پاک سرشت
 ۳۴۵.....نور دگر از قبیله ی نور آمد؟
 ۳۴۵.....دراوج فلک چشمک اختر زیباست
 ۳۴۵.....گفتند فرشتگان عرشی ناگاه
 ۳۴۶.....ای شجر قدسی باغ حسین
 ۳۴۸.....اگر که درد یتیمی به زیر بالش بود
 ۳۴۹.....ای آسمانیان پدرم را ندیده اید؟
 ۳۵۰.....آخر کهی بخواب چرا گریه می کنی؟
 ۳۵۰.....دیروز گفته بودند تنش کفن ندارد
 ۳۵۳.....در جان من هنوز تو غوغا ندیده ای
 ۳۵۴.....امشب که محفلم ز حضور منور است
 ۳۵۵.....بسته ای چشمان خونین و تررت را پیش من
 ۳۵۶.....با عشق و وفا همیشه خویشاوندیم
 ۳۵۶.....هرگاه که من دچار مشکل گشتم

- ۳۵۶..... پیوسته دلم آینه ی راز شود
 ۳۵۷..... گل یاست اگر پژمرده بابا
 ۳۵۷..... چه سازم ماتم دیرینه ام را
 ۳۵۷..... رفیه دیده ی تر داشت بابا
 ۳۵۸..... دلم خونین شده مثل دل تو
 ۳۵۸..... توهستی کعبه و ذکر سجودم

دروالات، ستایش، شهادت پیام آور کربلا

- ۳۵۹..... «مهرت زینب» سلام الله علیها
 ۳۶۰..... باز عجاز آفرین در خلقتش اعجاز کرد
 ۳۶۲..... ای عشق..... کن تو مرا تا بنویسم
 ۳۶۵..... از نور ندا تششعائی برخاست
 ۳۶۵..... آن روز که روزی ادی حیدر بود
 ۳۶۵..... از شوق اگرما فغانی داد
 ۳۶۶..... زینب که نسیم دلنرایی داد
 ۳۶۶..... ای داده به خلق درس بیاری
 ۳۶۶..... زینب که از او عشق و شرف نام گرفت
 ۳۶۷..... ای که عقیده ی بنی هاشمی
 ۳۶۹..... دین جاودان شد از نفس جاودانی ات
 ۳۷۰..... زینب که فلک صبریه دریای کربلاست
 ۳۷۳..... راحت شدی زمخت دنیا، سفرخیر
 ۳۷۴..... ای آن که دل من شده بیت الحزن تو

- ۳۷۵..... اربعین و بازگشت اهل بیت «علیهم السلام» به مدینه ی منوره
 ۳۷۶..... بابا سلام بریدن بی سرت کنم؟
 ۳۷۷..... ای گل پرپر من کاش که پرپر بشوم
 ۳۷۸..... زینب رسیده کربلا یا حیدر آمد؟
 ۳۸۰..... تا نگاهش به مزار گل زهرا افتاد

- ۳۸۲..... این روز اربعین تو یا روز زینب است؟
 ۳۸۴..... مبریدم به مدینه که دل من خون است
 ۳۸۵..... سلام دخترزهره فدای چشم ترت
 ۳۸۶..... مدینه دردل خود، غیر از محن ندارم

سجاده ی آسمانی:

د ولادت ، ستایش ، شهادت امام الساجدین

- ۳۸۷..... حضرت زین العابدین «علیه السلام»
 ۳۸۸..... شهری که از بهشت برین با صفا تراست
 ۳۸۹..... ای که خورشید ، مالت پرتو افشانی کند
 ۳۹۱..... مثل گل ها و اسده عطر جنان آورده ای
 ۳۹۳..... سرچشمه ی خضر کرگزار آمده است
 ۳۹۳..... آینه ی نورانی دی را نگرید
 ۳۹۳..... آن ماهرخی که دل گرفتارش بود
 ۳۹۳..... ای دوست امام ساجدین آید
 ۳۹۴..... از عرش برین روح الامین می آید
 ۳۹۴..... درفصل شکفتن وزمان میعاد
 ۳۹۴..... دل گشت زنور حق مزین امشب
 ۳۹۴..... ای سیند سجّاد وحسینی جلوات
 ۳۹۵..... این امامی که چنین سلسله برپا دارد
 ۳۹۶..... زبعد کرب و بلا کارتو اگر زاری است
 ۳۹۷..... نور تابد به فلک از در کاشانه ی ما
 ۳۹۸..... سی سال هرشب تا سحر احیا گرفتم
 ۳۹۹..... وقتی شهید زنده ی کرب و بلا شدی
 ۴۰۰..... طینتش تطهیر بود و پاک بود
 ۴۰۴..... پیوسته دلت بار توکل می بست
 ۴۰۴..... از خویش برون گشت ورها از من بود
 ۴۰۴..... آن گه که زمان ظلمت و بیداد است
 ۴۰۵..... زهرم اشک غم چشم ترم سوخت

- چگونه برتن بابا فتادی ۴۰۵
- تودیدی رنج راه وقافله را ۴۰۵
- وجود اطهرت لبریز غم هاست ۴۰۶
- نماز نافله یادت نرفته ۴۰۶

سجّاده ی علوم :

درو لادت ، ستایش ، شهادت حضرت

- امام محمد باقر «علیه السّلام» ۴۰۷
- امشب دوباره محفل شادی به پا کنید ۴۰۸
- وباء عطر گلی با نسیم می آید ۴۰۹
- آن که او را ز سق خورشید عالم تاب کرد ۴۱۲
- آنان که ز سور عالم پر شور شدند ۴۱۳
- ای سروری که سرور اهل ولا شدی ۴۱۴
- ای شیعه ی ثانی ششم حضرت باقر ۴۱۶
- به روی سینه ی تو داغ گریلا ده شد ۴۱۸
- روی دوش خویش گل ها یان پر می برند ۴۲۰

سجّاده ی صداقت:

درو لادت ، ستایش ، شهادت رئیس مکتب شیعه

- حضرت امام جعفر صادق «علیه السّلام» ۴۲۱
- شب تجلی عشق و عقیده است امشب ۴۲۲
- دوباره فصل تجلیات خداست ۴۲۴
- میلاد رئیس مکتب و مذهب ماست ۴۲۷
- وقتی که رئیس مذهب ما آمد ۴۲۷
- میلاد رئیس مذهب شیعه رسید ۴۲۷
- کسی که وحی درآینه ی کلامش بود ۴۲۸
- ششم امام که ذریه ی پیمبر بود ۴۲۹
- باز گرم مطالعه ماندم ۴۳۰

- ۴۳۴ آنان که نگاه درحقایق کردند
- ۴۳۴ خواهی به حضور دوست لایق باشم
- ۴۳۴ چهل بشر از دانش تو گاسته شد
- ۴۳۵ آنان که به عشق و آرزو خو کردند
- ۴۳۵ برچهره اگرز اشک خود گل داریم
- ۴۳۵ وقتی که به دل عطرشقایق برسد
- ۴۳۶ الا که عشق زده خیمه درگستانت
- ۴۳۸ خورشید بود و ماه به نورش نظاره داشت
- ۴۴۰ دربار قلب زهرا را شکستند
- ۴۴۰ تو را برینجه ی غم ها سپردند

سجده بیست و نهم: سلوک:

در ولادت، ستایش، شهادت

- ۴۴۱ حضرت موسی بن جعفر «علیه السلام»
- ۴۴۲ وقتی امام صاحب فرزند شد
- ۴۴۳ ای که اخلاص زند موج به پیشانی تو
- ۴۴۵ آن که انوار خدا تابیده از سیمین او
- ۴۴۷ عجب فضائل عرشی عجب کمالی داشت
- ۴۴۸ خیز برگلشن سرسبز ولا سر بزیم
- ۴۴۹ عالم که بی وجود شما باصفا نشد
- ۴۵۱ دریای جان خسته ی او در تلاطم است
- ۴۵۲ اگر به دوش غلامان تن تو را بردند
- ۴۵۲ ای آن که تجلای تو عالمگیر است
- ۴۵۳ هرگاه که رو به سوی رب می کردی
- ۴۵۳ مانیم همیشه زیر دینت مولا
- ۴۵۳ سرمیز دلت ز چشم بارانی توست
- ۴۵۴ دلت سوی خدا پرواز کرده
- ۴۵۴ همیشه در دلت غم میهمان بود
- ۴۵۴ زبس جان و دلت رنجیده می شد

دل شیعه به سوکت شعله ور بود ۴۵۴

سجاده ی خورشید:

دروادات ، ستایش ، عرض توسل ، شهادت

حضرت علی بن موسی الرضا «علیه السلام» ۴۵۵

آن که صدای آمدنت را شنیده است ۴۵۶

تو آمدی و براین خاک آبرو دادی ۴۵۸

اگرچه دیدن بیت خدا صفا دارد ۴۵۹

شب از عرش برین برما بشارت می رسد ۴۶۲

در این حرمی که نور دیگر دارد ۴۶۵

خورشید به نور آسمانت پیدا است ۴۶۵

هر کس به صراط مستقیم آمده است ۴۶۵

ما سوی تو از دست آمده ایم ۴۶۵

مهر تو به دل - لوه ی خه سیدی ماست ۴۶۶

من سوی مراد خود رسیدم ۴۶۶

امروز که اشک و شوق میخوردند ۴۶۶

من زائر تو و دلم به عشقت بند است ۴۶۶

این جا محیط و مهبط فوج فرشتهاست ۴۶۷

در این حرم قدس که زواریکی نیست ۴۶۹

این جاره امید کهی سد نمی شود ۴۷۰

عمری است مهمان حریم ولایتم ۴۷۱

ای حرمت کعبه ی امید ما ۴۷۴

دل ما در حرم قدس تو مأوا دارد ۴۷۶

اگر که خار تو هستم اگر غبار راه ۴۷۶

کسی که تا حرم تو پیاده می آید ۴۷۸

من از حریم تو ای مقتدا کجا بروم ۴۷۹

سرمنشأ طیبات عالم این جاست ۴۸۰

خورشید که جلوه اش دوصد چندان است ۴۸۰

- این جا که پُر از فروغ باور شده است ۴۸۰
 ماعشق نداریم اگر در حد تو ۴۸۱
 ای دوست حمایت تو را می طلبم ۴۸۱
 آزرده ز حال زار خویشم مولا ۴۸۱
 من ذره ام و به پیچ و تاب آمده ام ۴۸۲
 مگذار از این حریم عالی بروم ۴۸۲
 ای که مهرت سایه روی ماسوا انداخته ۴۸۳
 از آتش مصیبت و غم شعله ور شدم ۴۸۵
 آن روز محبان تو غوغا کردند ۴۸۶
 در طوس قیامتی دگر برپا شد ۴۸۶

سجاده ی کرامت:

- دروازه ، به تائید شهادت حضرت امام جواد «علیه السلام» ۴۸۷
 مدینه آینه ای غریب و شگفتا داشت ۴۸۸
 بار دیگر عشق با الفان همراه شد ۴۹۰
 ای دوست مراد اهل بیت آمد ، آمد ۴۹۳
 امشب که جواد قامت افراشته است ۴۹۳
 از دوست شب و روز فرج می آیم ۴۹۳
 گنجینه ای از جود و سخا آوردند ۴۹۳
 امشب که شکفته است گل روی جواد ۴۹۴
 عطر گل یاس از جنان می آید ۴۹۴
 یاسی ز بهشت طیبات آمده است؟ ۴۹۴
 از باغ بهشت بلبل آوردند ۴۹۴
 ای آن که کرم ریزد از دست کریم تو ۴۹۵
 رسیده ام که اسیرانه در کمند تو باشم ۴۹۷
 ای که خُست شور در هفت آسمان انداخته ۴۹۸
 در گوشه ای به حرمت دل های ناصبور ۵۰۰
 از آتش زهر ستم بس که کبابی ۵۰۲
 آن شمع شعله ور که به غیر از شرر نداشت ۵۰۳

- خورشید کرم ماه منبری تو جواد..... ۵۰۴
 محبوب خدای بی نیازست جواد..... ۵۰۴
 اخلاص و وفا مهر فروزنده ی توسست..... ۵۰۴
 شیراست اگرچه درقفص افتاده..... ۵۰۴

سجاده ی هدایت:

- دروالادت، ستایش، شهادت حضرت امام هادی «علیه السلام»..... ۵۰۵
 آن شب مدینه غرق تجلای نور بود..... ۵۰۶
 شب وزیده است به یثرب نسیم عشق..... ۵۰۹
 سرچشمه ی فیض حق سرمد آمد..... ۵۱۱
 گل نغمه شادی ازمنادی آمد..... ۵۱۱
 آئینه ی صبر استقامت تبریک..... ۵۱۱
 آفاق پر از نماد علی است..... ۵۱۱
 وقتی که سرورش یاب از دور رسید..... ۵۱۲
 قدسی نفسان فریاد یزدینند..... ۵۱۲
 هنگام نزول برکات آمده است..... ۵۱۲
 به درد عشق توای دوست مبتلا شده ام..... ۵۱۳
 ما بنده ایم و غیر تو مولا نداریم..... ۵۱۴
 وقتی نگاهم را به باران می نشانم..... ۵۱۶
 بازهم عشقت مرا یاد خدا انداخته..... ۵۱۹
 ای آن که زحق خویشتن محرومی..... ۵۲۱
 تاهم نفس بهارتوحید شدیم..... ۵۲۱
 ازمرحمت تو بس که خرسند شدم..... ۵۲۱
 عشق و شرف از عشیره ات یافته ایم..... ۵۲۱
 منظومه ی روشنی زانوار همید..... ۵۲۲
 با مهرتوجلوه ای اساسی داریم..... ۵۲۲
 با گرد ستم سپیده همدم نشود..... ۵۲۲
 دل را غم تو دوباره خونین کرده است..... ۵۲۲

سجاده ی افتاب:

درولا دت، ستایش، شهادت

- حضرت امام حسن عسکری «علیه السلام»..... ۵۲۳
- مدینه باز پُراز آیه های نورانی است ۵۲۴
- باز نسیم سحر، عطر بهار آورد ۵۲۶
- گلخانه ی وحی بس که زیبا شده بود ۵۲۸
- برخلق فروغ ایزدی داده خدا ۵۲۸
- با نغمه ی شادی از دل باغ شنفت ۵۲۸
- ببریل چوبلیلی ترنم کرده است ۵۲۹
- گفتند سگوه چری را نگرید ۵۲۹
- درهر جا که حرف رخ یار می رود ۵۳۰
- ای حسن رسول ۵۳۱
- سلام ما به تو روضای منور تو ۵۳۳
- یابن الحسن فدای تو دیده ی تربت ۵۳۵
- رعشه افتاده به جانت دل تر خود شد است ۵۳۶
- همین که شعله ی زهرستم به جا افتاد ۵۳۷
- یک بار دگر به عاشقان رحمت کن ۵۳۸
- تفتیده دلیم و دل زیاران خالی است ۵۳۸
- ای آن که قرار بی قرارانی تو ۵۳۸
- عدوگاهی به زندانت فکنده ۵۳۹
- به سرو قامت گلچین تبر زد ۵۳۹
- پُرازغم شد دل فرزانه ی تو ۵۳۹
- اگر از زهرکین بی تاب گشتی ۵۴۰
- به پاس دین و قرآن غصه خوردی ۵۴۰

سجاده ی عدل وامان:

درولا دت، ستایش، عرض ادب به محضر حضرت ولی عصر

- منجی عالم بشریت «عجل الله تعالی فرجه الشریف» ۵۴۱

- ۵۴۲..... سامرا از بس که زیبا شد شب میلاد تو
 ۵۴۴..... صف به صف فوج ملایک به فلک استادند
 ۵۴۷..... بار دیگر از فراسوی فلک
 ۵۵۱..... قدسی نفسان به عرش غوغا کردند
 ۵۵۱..... امشب که سرور وشوق بر صدر رسید
 ۵۵۱..... آن مهرکه روی او درخشیدن داشت
 ۵۵۱..... ای باد صبا عطر حیات آوردی
 ۵۵۲..... ای منتظران موسم موعود رسید
 ۵۵۲..... ای آن که حق آفرید بنیاد تو را
 ۵۵۲..... افلاک پر از شعشعه ی توحید است
 ۵۵۲..... برگنبد افلاک، اذان می پیچد
 ۵۵۳..... امید جان خستگان خدا چرا نمی رسد
 ۵۵۴..... گوش فلک، پرش زیبا گ رنایت
 ۵۵۵..... ای قبلگاه دل ما، کی می رود بیایی
 ۵۵۷..... پُراز دردم آقا، برایم دعا کن
 ۵۵۸..... کسی که هر شب جمعه تو را دعا می نیست
 ۵۵۹..... عمرم به سر رسید و دروغا ندیده ام
 ۵۶۱..... اولین زمزمه ی درس محبت این است
 ۵۶۳..... من که با گوشه ای از چشم تو خرسند شوم
 ۵۶۴..... بیا به باغ گل و برگ و بار را درباب
 ۵۶۹..... امید جان خستگان، خدا چرا نمی رسد
 ۵۶۶..... ماه و خورشید که مانند تو نورانی نیست
 ۵۶۷..... آرام دل و نور دو دیده برگرد
 ۵۶۷..... خورشید جهان فروز و دلخواه کجاست؟
 ۵۶۸..... دل گرچه زهجر بی شکیب است هنوز
 ۵۶۸..... ای آن که جهان چشم به راه تو نشست
 ۵۶۹..... هر لحظه تو احوال مرا می بینی
 ۵۶۹..... غم نیست اگر جهان مکدر گردد
 ۵۶۹..... با آن که دلم ز عشق تو پُر نور است

- ۵۶۹..... جمعی به حضور تو شرفیاب شدند
- ۵۷۰..... ای جلوه ی نور سمرمدی یامهدی
- ۵۷۰..... برجینی بشکسته ی دل بند زدند
- ۵۷۰..... برخیز دوباره حرکتی تازه کنیم
- ۵۷۰..... در دست امام ما زمام عصر است

گل های سجاده :

- ۵۷۱..... در «تایش، شهادت سلاله های نور
- حضرت حمزة الرسول» «علیه السلام»
- ۵۷۲..... پرکشیده است غمی بردل مضطربرسد
- ۵۷۳..... ای آن که زر عشق و شرف درجین توست

حضرت خدیجه «سلام الله علیها»

- ۵۷۴..... مادر سیده و مادر سادات سید
- ۵۷۶..... امشب فضای دل ملال اگر باشد

«حضرت ام البنین» «سلام الله علیها»

- ۵۷۸..... ای که برحیدر، به گل هایش ارادت داشته
- ۵۸۰..... ای گل گلزار اخلاص و یقین

«حضرت معصومه» «سلام الله علیها»

- ۵۸۲..... امشب از آسمان مه انور رسیده است
- ۵۸۴..... آن بانویی که عرش بود اوج رفعتش

«حضرت عبدالعظیم حسنی» «علیه السلام»

- ۵۸۶..... نام گرامیش اگر عبدالعظیم بود
- ۵۸۸..... به هر که می نگری ذکر ربنا دارد
- ۵۹۰..... رباعیات و دوبیتی های گل های سجاده

مقدمه مؤلف

نام خداوند جان و خرد

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ
وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ وَنَجْدِ الرَّحْمَةِ وَخَزَانِ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْجَلَمِ وَأَصُولِ
الْكَرَمِ وَقَادَةَ الْأَمِّ، أُولِيَةِ النِّعَمِ وَعَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَ
سَاسَةَ الْعِبَادِ وَأَرْكَازَ الْإِبْلَادِ وَأَهْلَ بَابِ الْإِيمَانِ وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ وَسُلَالَةَ
النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَعِزَّةَ خِيَرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

آن گاه که قلم به دست می گیرد که شعری درمذحت و مرثی شما
اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» بسراهم نگارم به فیض قدسی شما
بوده و هست و بی مدد شما دراندیشه ی من را از این درخور شما پیدا
نمی شود و حالا که برانم سخنی براین سروده ها و داووش ها به تحریر
در آورم نمی دانم چه بگویم و چگونه بنویسم .

درحقیقت ازبنده ی حقیر برنمی آید لذا خاضعانه ازمحضرشما تنی احترام
که باز هم مددکنید تا سخنی درباب تشکر ازعناایات شما داشته باشم
با آن که چند سالی پای اساتید فن ادبیات زانو زدم و از تجربیات آنان
بهره بُردم می دانم که هیچ نمی دانم. و با آن که عمری درهیئات مذهبی به
ذاکری پرداختم معترفم که بضاعتی مزجات دارم .

ولی تمامی دلخوشیم این است که اجازه داده اند از ذوات مقدسی بنویسم و بخوانم که گل های سرسید آفرینش خداوند اعظم هستند و حرف دلم همین است که در دلنوشته ها و سروده های این حقیر موج می زند .

روشن ترین ستاره ی اقبال ما همه
مُهری بزن به نامه ی اعمال ما همه

و بر آن عقده ام که با تائید شما اهل بیت نور خوشه ای برای روز
بی توست خنده داشته باشم انشاء الله

مخالفان تو پیوسته به تو سوگو کنند ، هیچ هیچ
این صفر را هر چه پسندی حساب کن

همیشه به یادم بوده هست که . رنگین را قیاس از خود مگیر

با آن که تمام توانم را به کار گرفتم که در رسائی که بردوش دارم بهتر
عمل کنم می دانم که کم و کاستی زیادی دارم و اما به ارم باب بصیرت
بربنده ببخشایند .

ولی از آنجایی که دوستان اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السّلام» چند سالی
است پی گیر اثر بعدی این حقیرند توفیق یافتم کتابی را که پیش رو
دارید با نام «سجاده های نور» در مناجات ، و از ولادت تا شهادت چهارده
معصوم «علیهم السّلام» و سلاله های آنان تنظیم کرده و به ولایتمداران
اهل بیت تقدیم کنم .

قابل ذکر است فصل پایانی کتاب را با عنوان گل های سجاده چند برگ از اشعار و رباعی و دوبیتی در ستایش گل های نور قرار دادم تا جای این بخش خالی نباشد.

نکته ای را قابل ذکر می دانم :

مدتی چاپ این کتاب به تعویق افتاد و با توجه به این که این حقیر ثواب این اثر را به روح پاک مرحومه مادرم هدیه کرده بودم بعد از مدتی با فوت پدر و روبو و شدم سیدی که عمر خود را به ذاکری و خدمت در آستان اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» سپری کرده بود و این حقیر هر چه دارم از دعای خیر آنان است.

لذا حکمتی در آن دیدم که باید ثواب این اثر را انشان عزیزه و عزیز از دست رفته ی خود مرگورده را خدا را شاکرم که توفیق این خدمت را به من ارزانی داشت.

در خاتمه به حکم ادب و احترام از «جناب آقای محمد علی صفری» «زرافشان» شاعر اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» که این حقیر را مورد عنایت قرار دادند تشکر کرده و از مساعدت انتشارات نورالکتاب که در چاپ این کتاب حقیر رایاری نمودند و مساعدت و برای این عزیزان سلامتی و توفیق بیش از پیش از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم.

محمد هاشم وفایی

مشیر عدل